

معنای دیگر
سرمایه اجتماعی
مترادف با اعتماد
عمومی به نهاد
حکومت است.
نوعی خریدن
زمان، مشارکت،
همکاری و
فرصت‌های
متعدد برای
حاکمیت که در
تعامل با نظام
اجتماعی ایجاد
می‌شوند

در علم جامعه‌شناسی در تئوری‌های کلاسیک تحت عنوان «رسته» تعریف می‌شد و به مرور جایگاه خود را به «طبقه» تغییر داد. ابتداء رسته اجتماعی داشتیم و بعدها مفهوم طبقه اجتماعی شکل گرفت. طبقه اجتماعی به معنای مجموعه‌ای درهم تنیده از شاخصه‌های رفتاری، ارزشی، هنجاری و باوری توده‌ای از افراد گفته می‌شود که در جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با یکدیگر دارای شباهت‌های نسبی می‌باشند. ما بر اساس این درهم کنشی رابطه‌ای و مبتنی بر نقش و کارکرد افراد، آنها را در قالب طبقات اجتماعی قرار می‌دهیم. طبقات اجتماعی بالا، طبقات اجتماعی متوسط و طبقات اجتماعی پایین. هر طبقه اجتماعی هم تقسیم‌بندی‌هایی دارد؛ فی‌المثل در طبقه متوسط، ما طبقه اجتماعی سنتی و غیرسنتی، طبقه اجتماعی بورژوا (سرمایه‌دار) یا خرده بورژوا (خرده سرمایه‌دار) داریم که اینها قابل تفکیک هستند و می‌توانیم بیشتر آنها را بسط دهیم و در مورد آنها صحبت کنیم.

نسبت سرمایه اجتماعی با این قشر جامعه چیست؟

مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان یک سرمایه کلان نهادی مطرح می‌شود و در نسبت با نهاد و ساختار (حاکمیت) معنی و مفهوم پیدا می‌کند. عملاً ثمره و میوه سرمایه اجتماعی را نهاد حاکمیت و دولت به معنای کلان آن می‌چیند. این مفهوم فرصت‌هایی را در اختیار حاکمیت قرار می‌دهد. سرمایه، یک مفهوم مادی است، انباشته شدن سرمایه پیش نیاز هرگونه ایجاد رونق در حیطه‌های مختلف است. معنای دیگر سرمایه اجتماعی مترادف با اعتماد عمومی به نهاد حکومت است. نوعی خریدن زمان، مشارکت، همکاری و فرصت‌های متعدد برای حاکمیت که در تعامل با نظام اجتماعی ایجاد می‌شوند. اگر ما بخواهیم بر اساس یک دماسنج اقتصادی پراکندگی طبقه متوسط ایران را مشخص کنیم، مبتنی بر این دماسنج اقتصادی، عمده طبقه حقوق‌بگیران طبقه متوسط هستند که مترادف با کارمندان و بخشی از طبقه کارگران است. البته طبقه کارگر ما بعد از یک دوره ثبات اقتصادی که توانسته بود پای خود را در طبقه متوسط اجتماعی بگذارد؛ (چون از نظر شأن و منزلت اقتصادی رابطه عمودی بر سه طبقه حاکم است) و حال متأسفانه با چالش‌های دهه اخیر طبقه کارگر و بخشی اعظم از طبقه متوسط حقوق‌بگیر به طبقه پایین جامعه پس‌رفت کرده است و ما شاهد تغییرات و تکانه‌های درون طبقه‌ای نیز بوده‌ایم.

چرا طبقه متوسط دارای اهمیت است؟

ما در علم آمار و روش تحقیق بحثی داریم تحت عنوان نمودار نرمال که بیانگر میزان پراکندگی داده‌های آماری است. من در جهان بینی علمی خود قائل به این هستم که تمامی مفاهیم در جهان جدید دارای پراکندگی در سطح نرمال هستند. یعنی بیشینه منفی و مثبت ما کم است. به این نحوه پراکندگی نمودار زنگوله‌ای هم می‌گویند که شبیه یک زنگوله کلیسا است یعنی وسط آن پراکندگی زیاد است. حال از منظر تعریف اقتصادی، اجتماعی، ارزشی و دینی، آیا تمام مردم ایران بشدت دینمدار هستند؟ خیر. آیا تمام مردم ایران بشدت بی‌دین هستند؟ خیر. آیا تمام مردم اقتصاد پولدار یا بی‌پول هستند؟ خیر. پس این بحثی بدیهی است که نیاز به توضیح بیشتر ندارد. طبقه متوسط یعنی اکثریت و



در دهه‌های اخیر سرمایه اجتماعی حاکمیت در جامعه ایران تغییرات محسوس کرده است. سرمایه اجتماعی برای دولت‌ها یعنی مشروعیت و قدرت برای انجام تغییرات. به همین دلیل دولت باید از طریق اصلاحات اقتصادی، مسکنی به جامعه ناآرام ایران تزریق کند و این موضوع، زمینه را برای افزایش سرمایه اجتماعی او و تکمیل اصلاحات مدنظرش فراهم خواهد کرد. در این بین، طبقه متوسط جامعه که مهم‌ترین قشر جامعه تلقی می‌شوند، بازوی انجام و همراهی برای توسعه و پیشرفت هستند. در گفت‌وگوی حاضر با سیدهاشم فیروزی، جامعه‌شناس، از طبقه متوسط جامعه و نقش آن در افزایش سرمایه اجتماعی حرف زدیم. به اعتقاد فیروزی، بهبود روابط خارجی در گام نخست و سپس اصلاح نظام مالیات برای دهک‌های ثروتمند و در نهایت اصلاح نظام بانکداری راهکارهای سیاسی، اقتصادی اصلی و جدی پیش‌روی دولت برای همراه کردن طبقه متوسط جامعه است.

اساساً مفهوم طبقه متوسط یعنی چه و به چه قشری طبقه متوسط می‌گوییم؟

طبقه اجتماعی به عنوان یک مفهوم مورد پرداخت